

در سال ۱۸۰۱ میلادی (۱۱۸۰ ه. ش) یک هیئت سیاسی-اقتصادی که به تهران فرستاده شده بود تا پیام ناپلئون را تسلیم فتحعلی شاه کند، به هیچ نتیجه مثبتی دست نیافت، زیرا در آن هنگام در دربار ایران هیچ کس نبود که بتواند فرمان فرستاده دولت فرانسه را به فارسی ترجمه کند. (۱) اما پنجاه سال پس از آن، نخستین مدرسه پلی تکنیک (دارالفنون) ایرانی، که در آن تدریس بیشتر به زبان فرانسوی انجام گرفت، در تهران تاسیس شد. (۲) نخستین فارغ التحصیلان این مدرسه در تدوین و انتشار روزنامه علمی یا «روزنامه علمیه دولت علیه ایران» - که بخشی از آن به زبان فرانسوی بود- شرکت داشتند. (۳) در این مدت کوتاه چه روی داده بود که موجب چنین تحولی در روابط فرهنگی دو کشور شد؟ دلایل این امر بسیار است. از یک سو، آنچه پس از انقلاب فرانسه و کشور گشائیهای ناپلئون در فرانسه و اروپا می گذشت، نمی توانست از چشم ایرانیان نادیده بماند، رخداد عبارت بود از حوادثی که جهان آن روز را به لرزه در آورده و بازتاب آن از طریق ترکیه و قفقاز به ایران نیز رسیده بود. از سوی دیگر ناپلئون که درگیر جنگ با انگلیسیها بود، می کوشید تا در ایران هم پیمانی پیدا کند که

مطبوعات فرانسوی زبان در ایران

دکتر جواد جدیدی - ترجمه: ع. روح بخشان

بتواند در صورت لزوم، دستیابی او را به هند که مستعمره بزرگ انگلیس بود، آسان کند. پس از بازگشت ناموفق نخستین هیئت اعزامی ناپلئون در سال ۱۸۰۴ م (۱۱۸۳ ه. ش) دو هیئت دیگر به ایران فرستاد. یکی به سرپرستی «پییر آمه ژوبر»^۱، مشاور ناپلئون در امور خاورمیانه بود که زبانهای ترکی و عربی را نیک می دانست و سال پیش از آن مساموریت مشابهی را در ترکیه عثمانی با موفقیت انجام داده بود (۴) (او بعد ها به استادی «کلژ دو فرانس» رسید). انگلیسیها که به نقشه ناپلئون پی برده بودند، ژوبر را در ترکیه، در راه ایران، به جاسوسی متهم کردند و شرایطی فراهم آوردند تا او دستگیر و به مدت چهارماه زندانی شد. ناپلئون همینکه از ماجرا آگاهی یافت هیئت دیگری را به سرپرستی آجودان خود

اشاره: از روزگاری که «کاغذ اخبار» نویسی و انتشار روزنامه در ایران باب شد، در کنار صدها روزنامه و مجله فارسی زبان، دهها روزنامه و نشریه به زبانهای بومی (آسوری، ارمنی، کلیمی، عربی، ترکی... و خارجی (فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، روسی...)) نیز در ایران و یا توسط ایرانیان مقیم خارج تهیه و منتشر شده است. درباره این نشریهها، مخصوصاً نشریههای فرانسوی زبان ایرانی تاکنون چند مقاله کوتاه در جراید فارسی به چاپ رسیده است، اما مقاله ای که اینک ترجمه آن عرضه می شود، کاملترین و دقیقترین پژوهشی است که تاکنون در این زمینه انجام گرفته است. این، سرآغاز تهیه و انتشار پژوهشهای دیگری است که درباره مطبوعات ایرانی به زبانهای دیگر تهیه می شود.



1. Pierre Amedee Jaubert

می» یو^۲ به ایران فرستاد که در ۲۴ سپتامبر ۱۸۱۸ (۱۱۸۴ ه. ش) به تهران رسید. اما وی بی آنکه بتواند مأموریت خود را به انجام بیاورد، به طور ناگهانی درگذشت.^{۱۵} در این حال، دولت ایران که به بازداشت ژوبر در کیه سخت اعتراض کرده بود، توانست آزادی او را امکانپذیر سازد.

نتیجه ژوبر به ایران آمد و در ۵ ژوئن ۱۸۰۶ م (۱۱۸۸ ه. ش) پیام ناپلئون را که ضمن آن ایران به هم‌پیمانی با فرانسه دعوت کرده بود، به میم فتحعلی شاه کرد. البته خود فتحعلی شاه سخت علاقه‌مند بود که به فاتح بزرگ فرانسه یک شمشیر هدیه دهد. زیرا که از سال ۱۸۰۳ (۱۱۸۲ ه. ش) ایران گرفتار جنگ با روسیه بود و علیرغم پیروزی، شکستهای سنگینی از قشون تزاری برداشته بود. لذا مذاکرات تهران به توافقی میان کشور انجامید که به موجب آن دولت فرانسه سستی به قشون ایران سر و سامان تازه‌ای داد. سه هم‌پیمان منظور، ژنرال «کلود-یوگاردان»، در رأس یک هیئت هفتاد نفری بیست و هفت نفرشان افسر و درجه‌دار بودند، سال ۱۸۰۷ م (۱۱۸۶ ه. ش) به تهران آمد، مورد استقبال گرم فتحعلی شاه، واز او گرمتر س میرزا نایب‌السلطنه قرار گرفت که مردی بسته و بلند اندیشه بود و فرماندهی نیروهای ایرانی را در برابر روسها برعهده داشت.

با این همه، این مأموریت هم ناموفق ماند. ملیسها که در کمین بودند، جای فرانسویها گرفتند. قراردادی که میان فرانسه و ایران بسته شده بود، خیلی زود از یاد ناپلئون رفت.^{۱۶} ژنرال گاردان به فرانسه بازگشت. اما چندان از سران و خدمتکاران فرانسوی که در هیئت او بودند یا در ایران ماندند پسا پس از رفتن سه تن، بار دیگر به ایران برگشتند.^{۱۷} اینان به یار یا به دستگاه شاهزادگان واعیان راه یافتند. تعلیم زبان فرانسوی به ایشان مشغول شدند. بعدی پس از آن، گروهی از دانشجویان ایرانی فرانسه فرستاده شدند و نیز چند مبلغ نسوی، از جمله «اوژن بوره»^۲ کشیش^{۱۸} به آن آمدند. آنها در برخی از شهرها بویژه یز و اصفهان مدرسه‌هایی تأسیس کردند که آنها تدریس به زبان فرانسوی هم انجام گرفت. سه این ترتیب، اندک اندک اقلیت صلیکرده‌ای به وجود آمد که زبان فرانسوی دانست. باید برخی از ارامنه جلفای اصفهان و میه را نیز براینان افزود که از پیشگامان بطن بازرگانی میان ایران و فرانسه بودند. علاوه بر زبان مادری، فارسی و فرانسوی را هم دانستند. بنابراین هنگامی که روزنامه میه-هفته‌نامه چند زبانهای که به فارسی، عربی و فرانسوی تهیه می‌شد- در ۱۸۶۳ م (۱۲۴۰ ه. ش) انتشار یافت، در ایران به طور

از سال ۱۸۶۳ (۱۲۴۲ ه. ش) تا به امروز، در حدود سی روزنامه یا مجله که همه یا بخشی از آنها به زبان فرانسوی بوده، در ایران منتشر شده است.



۱۸۵۱ (۱۱۹۰ ه. ش) و در نتیجه افزایش تماس ایرانیان با مغرب زمین، اندیشه‌های آزادی‌طلبی و جمهوریخواهی هر چه بیشتر در میان محفل‌های روشنفکری، حتی در میان شاهزادگان و مقامهای دولتی رواج می‌یافت.^{۱۰} اما چنین قشر روشنفکری سه روزنامه و سخنگوی خاص خود نیاز داشت و سرانجام هم بدان دست یافت. این روزنامه، وطن^۴ نام گرفت و نخستین روزنامه مستقل فرانسوی زبان بود که در ایران منتشر شد. اما فقط یک شماره از آن انتشار یافت و تنها یک روز عمر کرد. این روزنامه در ۱۸۷۶ م (۱۲۵۵ ه. ش) توسط میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم ناصرالدین شاه تأسیس شد.

سردبیر روزنامه یک مهندس بلژیکی بود که

نسبی گروه قابل توجهی از تحصیلکردگان بودند که زبان فرانسوی می‌دانستند و شمارشان هر روز رو به افزایش بود. استادان دارالفنون، دانشجویان این مدرسه و فارغ‌التحصیلان آن). این روزنامه در چاپخانه دارالفنون چاپ می‌شد و استادان، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دارالفنون علاقه‌مندترین خوانندگان بودند. از این روزنامه تا سال ۱۸۷۲ (۱۲۵۱ ه. ش. شمسی) کسه سال توقف و تعطیل آن است، جمعا ۵۳ شماره منتشر شد. (۹) البته ناگفته نماند که هزینه این نشریه را دولت می‌پرداخت و از این رو نمی‌توانست برد سیاسی-اجتماعی داشته باشد. حتی در آنچه به خارج از ایران ارتباط داشت، به گونه‌ای ساده‌دلانه و بی‌پیرایه فقط به نقل اخبار علمی برخی از نشریه‌های اروپایی می‌پرداخت. روزنامه مزبور در مجموع گونه‌های نسخه‌برداری بود و حال آنکه پس از تأسیس دارالفنون در

2. Romieu

3. Eugene Bore

«بارون لویی دونورمن»^۵ نام داشت و میرزا حسین خان در جریان سفر ناصرالدین شاه به اروپا او را برای ایجاد شبکه راه آهن به استخدام دولت ایران در آورده و با خود به تهران آورده بود. مهندس نورمن پس از رسیدن به تهران، به بررسی و مطالعه پرداخت و طرح راه آهنی را ریخت که باید شرق ایران به غرب آن، پیوند می داد. اما علاوه بر این هنرها، او دارای اندیشه های دموکراتیک و انساندوستانه ای بود که پهلوی به پهلوی اندیشه های صدراعظم می ساید بنا بر این هر دو به فکر تأسیس یک روزنامه افتادند. در این زمینه با ناصرالدین شاه گفتگو کردند و از او اجازه خواستند تا روزنامه ای مستقل تأسیس کنند که از بازبینیها و بازرسیهای سخت و سنگین حکومتی در امان باشد. ناصرالدین شاه به صدراعظم و مهندس او اجازه داد که طرحشان را اجراء کنند. اما به محض اینکه نخستین شماره این روزنامه منتشر شد و سرمقاله اش را برای شاه ترجمه کردند، به شدت خشمگین شد، امتیاز روزنامه را لغو کرد و دستور داد تساهمه نسخه های روزنامه را جمع آوری کنند. در این واقعه صدراعظم و بارون دونورمن مورد غضب قرار گرفتند، طرح راه آهن رها شد و مهندس یا

شد، متن کامل سرمقاله «وطن» را نقل کرده است. نویسنده سرمقاله در این نوشته خطوط عمده سیاستی را که می خواسته تعقیب کند، ترسیم کرده است: هدف او این بود که یک روزنامه دوزبانه فرانسوی- فارسی تأسیس کند که در آن بدون هیچ گونه جانبداری، از آنچه در ایران می گذشته، سخن گفته شود. او می خواست مستقل بماند تا بتواند حقیقت را بگوید. قصد چاپلوسی از هیچ کس و هیچ مقامی را نداشت. می خواست ستمگران را رسوا و از ستمدیدگان دفاع کند. در مجموع، به آزادی، برابری و برادری که شعار اصلی انقلاب فرانسه بود، می اندیشید. ترجمه سرمقاله به شرح زیر است:

خطاب به خوانندگان و همکاران

«ما از دولت اعلیحضرت پادشاه اجازه انتشار یک روزنامه فرانسوی فارسی را گرفته ایم و با عرضۀ این نخستین شماره به مردم، لازم می بینیم خط مشیی را که قصد داریم دنبال کنیم و از آن عدول نخواهیم کرد، توضیح دهیم. ایران تا به امروز از یک روزنامه جدی که

روزنامه وطن، نخستین روزنامه مستقل فرانسوی زبان بود که در ایران منتشر شد. اما فقط یک شماره از آن انتشار یافت و تنها یک روز عمر کرد.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

روزنامه نگار بینوا ناگزیر ایران را ترک کرد. چنین بود سرنوشت نخستین روزنامه مستقل فرانسوی زبان که در بیش از ۱۲۰ سال پیش در ایران منتشر شد.

براستی بارون دونورمن در سرمقاله خود چه نوشته بود که موجب آن همه دردسر برای خود او و حامیش شد؟ متأسفانه هیچ یک از نسخه های آن روزنامه به جا نمانده است تا بتوان از رهگذر آن به آگهیهای دست یافت. همه آنچه در این زمینه می دانیم محدود است به چند گزارش که در سفرنامه های اروپاییانی که در آن هنگام در ایران به سر می بردند، درج شده است. مفصلترین این گزارشها در سفرنامه خانم «کارلا سرن»^(۱۱) دیده می شود. او در کتاب «آدمها و آینهها در ایران» که در ۱۸۸۳ م (۱۲۶۲ ه. ش) منتشر

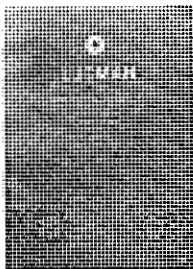
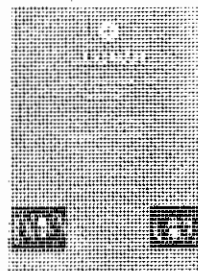
تواند به گونه ای معقول آن را بشناساند و در صورت لزوم در خارج از مرز، از آن دفاع کند، محروم بوده است.

البته روزنامه ایران که همکار ما و روزنامه رسمی دولت است، خدمات عمده ای انجام داده است. اما چون منحصرأ به زبان فارسی منتشر می شود، در خارج از ایران چندان رواج ندارد و چندان شناخته شده نیست.

ما بر آن هستیم که از طریق آگاه کردن همکاران اروپائیمان از همه مسایل عمده سیاسی و یا مسائل عمده مرتبط با ایران، این نخستین نقیصه را رفع کنیم.

ما خوشحال خواهیم شد که هر بار همقطارانمان بخواهند با ایشان گفتگو کنیم، و از آنجا که «از برخورد اندیشه ها نور تسابیده می شود» امیدواریم که این تابندگی در ایران هم حاصل گردد. لذا از مطبوعات اروپا می خواهیم به ما اجازه بدهند تا در کنار هم در

5- Louis de Norman



یافت معقولانه اندیشه و گفتگو بنشینیم. ما
استار ساده‌ترین جایگاه هستیم، زیرا فقط
بان در خور ماست. ما جوانیم، اما توقعی
اریم جز آنکه از تجربه و دانش پیشکوتان
پای خود بهره‌مند شویم و آثار خوب آنها را
ایران بازتابانیم.

و اما در ارتباط با مسائل داخلی؛ ما با
تقلال کامل از آنها سخن خواهیم راند. ما
قادر هیچ حزبی نیستیم و نمی‌خواهیم باشیم.
ز هر گونه تعهد و وابستگی رسمی آزاد
ستیم. مامی‌خواهیم با توجه دادن کشور به
زهای واقعی‌اش، به مملکتان خدمت کنیم.
از پیشرفت، هر بار که شاهدش باشیم، حمایت
اهیم کرد. ما از تشویق باز نخواهیم ایستاد،
هرگز هم مداح صرف نخواهیم بود. ما مدح
نومت را نخواهیم گفت. ما از هر گونه آرمان
ی دفاع نخواهیم کرد و هر گونه رفتار
هیدنی را مورد انتقاد قرار خواهیم داد.
ما از قدرت حاکم که برای ما نماینده قانون
ت پشتیبانی می‌کنیم، اما اگر اقدامات
نومت برخلاف قانون باشد، با شدت هر چه
ستر آن را نکوهش خواهیم کرد. ما هرگز به
گی خصوصی مردم و شخصیتها نخواهیم
اخت، و در این زمینه نه تنها بی‌طرف که
لا چشم بسته می‌مانیم. اما از کارهایی که به
ن منافع عمومی کشور باشد انتقاد خواهیم

نذا علیه سوء استفاده کنندگان اعلام جنگ
دهیم! احترام مذهب و احترام حکومت باید
نوظ باشد. پیشرفت، عدالت و انصاف:
ست سرمایه و برنامه ما.
طن نامی است که برای روزنامه خود
گزیده‌ایم. میهن‌دوستی نخستین خصیصه
ی یک ملت است. در ایران، میهن‌دوستی
نا زادگاه فرد را در بر می‌گیرد،
ن‌دوستی واقعی باید، همچنین شامل علاقه
بهریار، قوانین، نهادها و به دولت باشد.

نویسنده فرانسوی می‌گوید: «میهن برای
قلبی که خوب زاده شده باشد، عزیز است.»
واریم بتوانیم از حیثیت نام خود برای راه
ن به میان خوانندگان، بهره‌مند شویم. ما
کوشش خود را به کار خواهیم بست تا
ستگی توجه همگانی را پیدا کنیم و برای این
در همه جا مدافع حقوق کشور و ملت
قیم بود.»

رون دونورمن چنین سخن می‌گفت و لذا بی
ک بر کنار شد.

ر عین حال، شاه بسیار علاقه‌مند بود که
د طلب قلمداد شود و در ضمن بتواند
ت تجددطلبی را که پس از تأسیس
ننون در کشور ایجاد شده بود، مهار کند،
این دستور داد یک روزنامه دیگر به زبان
سه منتشر شود، مسئولیت آن را نیز به عهده
انطباعات خود گذاشت. این روزنامه که در
۱۲۶۴ هـ. ش) تأسیس شد، «صدای



در فاصله ۱۳۱۳ تا ۱۳۵۸ هـ. ش یعنی در طول ۴۵ سال، هیچ نشریه قابل توجهی به استثنای «ژورنال دو تهران» به زبان فرانسوی در ایران منتشر نشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تزاری یعنی رقیب انگلیس از حکومت مطلقه
جانبداری می‌کرد، و انگهی ایرانیان نمی
توانستند نسبت به آنچه در قفقاز می‌گذشت
یعنی نسبت به جنبشهای آزادیخواهانه که کمی
بعد پایه‌های تخت تزارها را به لرزه در آورد،
بی‌تفاوت بمانند. از این رو انتشار روزنامه‌های
دوزبانه که در آنها جای عمده‌ای به اخبار
خارجی داده می‌شد، رونق گرفت. از آن جمله
است «خلاصه الحوادث» که ۱۸۹۸ م
(۱۲۷۷ هـ. ش) و طی دو سال آخر انتشار خود
(۱۹۰۲ و ۱۹۰۳ م/۱۲۸۱ و ۱۲۸۲ هـ. ش)
چند صفحه از هر شماره‌اش به زبان فرانسوی و
حاوی اخبار خارجی و گه‌گاه تفسیر آنها بود.^(۱۳)
پس از آن، روزنامه دوزبانه «بیطرف» در ۲۰
صفحه (۱۰ صفحه فارسی و ۱۰ صفحه
فرانسوی) انتشار یافت که تا
۱۹۰۴ م/۱۲۸۳ هـ. ش) ادامه داشت. و این
روزنامه به این دلیل نام «بیطرف» بر خود

ایران» نام گرفت و دکتر «مورل» اداره‌اش
می‌کرد. این روزنامه که در هفته، پنج شماره از
آن انتشار می‌یافت، سرنوشتی بهتر از سلف خود
پیدا کرد و انتشار آن تا ۱۸۸۸ م
(۱۲۶۷ هـ. ش) ادامه یافت.^(۱۲) اما نهضتی که
تجدد خواهان یا اصلاح‌طلبان برپا کرده بودند،
روز بروز بیشتر دامنه پیدا می‌کرد.

شاه خود کامه در سال ۱۸۹۶ م (هـ. ش) در
آستانه بزرگداشت پنجاهمین سال سلطنت خود
به وسیله تیانچه میرزا رضا کرمانی کشته شد.
فرزندش که به جایش نشست، غالباً بیمار بود.
شمار تجددطلبان که اغلبشان فارغ‌التحصیل
دارالفنون بودند، روز به روز افزایش می‌یافت
آنان تا آن هنگام فقط خواستار انجام اصلاحات
بودند، اما از آن پس، خواستهایشان دامنه
گسترده‌تری یافت: آنان خواهان استقرار یک
حکومت مشروطه سلطنتی مانند حکومت
انگلیس بودند. یک دلیلش آن بود که روسیه

گذاشته بود که جانب دولت را نمی‌گرفت. (۱۴)

سرانجام مظفرالدین شاه تسلیم اصلاح‌طلبان شد و در ۱۹۰۶م (۱۲۸۵ هـ . ش) فرمان مشروطیت را امضاء کرد. این امر پیروزی بزرگی برای مردم بود، اما راه هنوز هموار نشده بود. شاه کمی پس از امضای فرمان مشروطیت، در گذشت و با مرگ او یک انقلاب واقعی روی داد که در طی آن اصلاح‌طلبان با برخورداری از حمایت انگلیس رویاروی شاه مستبد بهره‌مند از حمایت روسیه قرار گرفتند. کار بدانجا کشید که مردم، به هواداری تجددطلبان، به میدان آمدند. شاه خود کامه و دست‌نشانده، خلع شد و فرزند نوجوان او بر تخت سلطنت نشست. در این دوره تعداد بسیاری روزنامه و مجله با عمر کوتاه به طور دوزبانه یا فقط فرانسوی زبان منتشر شد. «شرق» (۱۵) در سال ۱۹۰۹ (۱۲۸۸ هـ . ش) در دو زبان انتشار یافت، اما در سال بعد توقیف شد. «برق» (۱۶) در همان زمان جای آن را گرفت، اما فقط ۱۳ شماره از آن منتشر شد.

در همان سال، یک چشم‌پزشک، روزنامه «استقلال ایران» (۱۷) را به زبان فرانسوی منتشر کرد که پس از شماره سوم توقیف شد. در سال ۱۹۱۳م (۱۲۹۲ هـ . ش)، هفته‌نامه دوزبانه «اطلاعات» (۱۸) انتشار یافت که نسبت به گذشتگان خود از عمر درازتری برخوردار شد و تا سال ۱۹۱۶م (۱۹۲۵ هـ . ش) ۱۳۷ شماره آن به چاپ رسید. در سال ۱۹۱۴م (۱۲۹۳ هـ . ش) جمعی از ایرانیان مقیم اروپا که نام «گروهی وطن‌پرست» برخوردار بودند، «ایران‌شهر» (۱۹) را در پاریس منتشر کردند. اما نخستین جنگ جهانی، گسترش زبان فرانسوی را متوقف کرد، چنانکه در فاصله سالهای ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۹ هیچ روزنامه فرانسوی زبانی در ایران منتشر نشد.

پس از جنگ «آلیانس فرانسه» که در سال ۱۸۹۸م (۱۲۷۷ هـ . ش) یک مدرسه فرانسوی در تهران تأسیس کرده بودند (۲۰)، هفته‌نامه‌ای با همان نام انتشار داد.

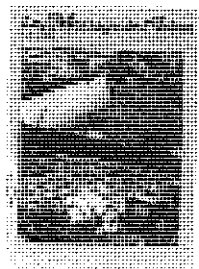
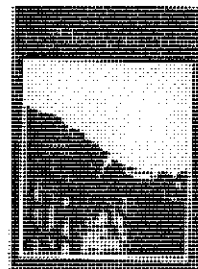
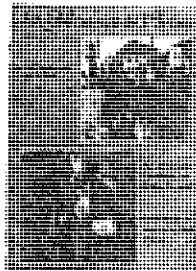
یک سال پس از آن، کودتای رضاخان اوضاع را دگرگون کرد و خانواده پهلوی جای سلسله قاجار را گرفت. در این دوره، زبان فرانسوی در ایران اوج تازه‌ای پیدا کرد. از ۱۹۲۲م (۱۲۹۹ هـ . ش) تا ۱۹۴۰م (۱۳۱۹ هـ . ش) نزدیک به ده روزنامه و مجله فرانسوی زبان یا دوزبانه انتشار یافت که مهم‌ترینشان عبارت بودند از: فلاح و تجارت، (۲۱) ارگان اداره کل کشاورزی که در ۱۲۹۷ هجری شمسی تأسیس شده بود و از ۱۲۹۹ به بعد چند صفحه آن، به زبان فرانسوی چاپ می‌شد، پارس که در ۱۳۰۰ تأسیس شد، حصار عدل (۲۲) در ۱۳۰۱، «پیک تهران» (۲۳) که تمام آن به زبان فرانسوی بود، در ۱۳۰۴، علم و هنر (۲۴) در ۱۳۰۶، انوشیروان (۲۵) در ۱۳۱۰، پست و تلگراف و تلفن در ۱۳۱۱، بانک ملی در ۱۳۱۲ و بالاخره ژورنال دوتهران در ۱۳۱۳. این روزنامه که وابسته به روزنامه اطلاعات بود، در

ابتدا سه روز در هفته و هر بار در ۲۰۰ نسخه منتشر می‌شد، اما پس از سفر ژنرال دوگل به تهران، در سال ۱۳۴۲ و عقد قراردادهایی میان ایران و فرانسه که موجب گسترش روابط فرهنگی دو کشور شد، ژورنال دوتهران به صورت روزانه درآمد و تیراژ آن، به ۱۳ هزار نسخه رسید. این روزنامه در آغاز انتشار، دارای چهار صفحه چاپ سنگی بود، اما کم‌کم توسعه کمی و کیفی پیدا کرد و در بیست ساله آخر عمر خود، در ۱۲ صفحه و گه‌گاه در ۱۶ صفحه با کیفیت خوب منتشر می‌شد. کار تدوین و تنظیم مطالب بیشتر با ایرانیان بود و گه‌گاه تنی چند از فرانسویان، بلژیکیها یا سویسیهای مقیم تهران، با آن همکاری می‌کردند. فعالیت این روزنامه تا آستانه انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ ادامه داشت.

موفقیت ژورنال دوتهران، مدیر روزنامه کیهان را بر آن داشت تا در ۱۳۳۸ به انتشار کیهان فرانسوی دست یازد. اما این کار نگرش و اورینت پانوراما که در سال ۱۳۴۰ به جای آن منتشر شد، سرنوشتی بهتر از سلف خود پیدا نکرد.

به این ترتیب، در فاصله سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۵۸ هـ . ش یعنی در طول ۴۵ سال، هیچ نشریه قابل توجهی، به استثنای ژورنال دو تهران، به زبان فرانسوی در ایران منتشر نشد. علت چه بوده است؟ حقیقت این است که پس از جنگ جهانی دوم، آمریکاییها که تا آن هنگام، تقریباً جایی در صحنه سیاسی و فرهنگی ایران نداشتند، جای هرگونه قدرت بین‌المللی دیگر را گرفتند. زبان انگلیسی اندک اندک بر سراسر جهان تسلط پیدا کرد و زبان فرانسوی، هر چند که طی دو قرن، زبان فرهنگ و سیاست بود، برتری فرهنگی خود را از دست داد. در زمینه اقتصادی هم وضع به همین صورت بود و تنها ژورنال دو تهران در برابر این سیل برانداز پایداری می‌کرد.

پس از انقلاب اسلامی ابتدا نوعی بی‌اعتمادی نسبت به هرگونه زبان خارجی در جامعه پدید آمد. زیرا این زبانها ابزار یک فرهنگ ویرانگر و استثمار شمرده می‌شدند. اما خیلی زود، روشن شد که نمی‌توان از زبانهای عمده بین‌المللی بی‌نیاز بود، حتی اگر برای شناساندن خطوط ویژه انقلاب به خارجیان باشد. در این دگرگونی سهم بیشتری نصیب زبان فرانسوی شد: پیام اسلام^۸ که در ۱۳۶۰ تأسیس شد همچنان در سطح جهانی به فعالیت خود ادامه می‌دهد. هم‌زمان با آن، مجله سروش منتشر شد ولی از دو سال پیش، متوقف شده است. فقدان یک نشریه به زبان فرانسوی که فقط به مسائل اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی بپردازد، از همان ابتدای امر احساس می‌شد. بد همین دلیل، مرکز نشر دانشگاهی برای پر کردن این خلاء اقدام به انتشار لقمان کرد. لقمان هر شش ماه یک بار، منتشر می‌شود تاکنون ده شماره از آن انتشار یافته و مخصوصاً



در اروپا توزیع شده و جای خود را پیدا کرده است.

به این ترتیب، از سال ۱۸۶۳ م (۱۲۴۳ ق. ش.) تا به امروز، در حدود سی روزنامه یا مجله، که همه یا بخشی از آنها به زبان فرانسوی بوده، در ایران منتشر شده است (به جدول نگریخت). بدیهی است که در همین مدت شریه‌هایی به زبانهای دیگر نیز، مانند: انگلیسی، روسی، آلمانی، عربی، ترکی و غیره در ایران انتشار یافته است. اما تعداد آنها خیلی کمتر از تعداد نشریه‌های فرانسوی زبان است. بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که در حالی که قاجارها از لحاظ سیاسی زیر سلطه انگلیس یا روسیه بودند و هیچ یک از این دو، علاقه‌ای به گسترش زبان فرانسوی در ایران نداشتند، (۲۶) چه چیز سبب اقبال و توجه ایرانیان به زبان و فرهنگ فرانسوی شد؟ دلایل این امر بسیار است. صرف نظر از برتری فرهنگی فرانسه در قرن نوزدهم که همواره بیگانگان را به سوی خود می‌کشاند، ایرانیان در آن روزگار با فرانسویان نزدیکی عاطفی احساس می‌کردند. نزدیکی‌هایی که ژان شاردن در قرن هفدهم در سفرنامه خود به آنها اشاره کرده است و یکتور هوگو در قرن نوزدهم در شرفیات خویش بر آنها تأکید داشته است. علاوه بر اینها ایرانیان در آن سالها از روس و انگلیس، که نسبت به ایران طمعی استعمارگرانه نداشتند، بیزار بودند و حال آنکه از این لحاظ، نسبت به فرانسویان کینه‌ای به دل نداشتند. بنابراین، ای اعتماد متقابل و عواطف مشترک در میان بود، یعنی عواملی که هنوز هم سبب پایداری بان و فرهنگ فرانسوی در برابر سلطه جویی بان و فرهنگ انگلیسی است. ●

جدول روزنامه‌ها و مجله‌های فرانسوی زبان در ایران از آغاز تا امروز به ترتیب تاریخ انتشار

عنوان فارسی	سال انتشار	نوع انتشار	زبان	تاریخ توقف
روزنامه علمیه	۱۲۸۰ ه. ق.	روزانه	چهار زبان	۱۲۸۹ ه. ق.
وطن	۱۲۹۳ ه. ق.	روزانه	فرانسوی	۱۲۹۳ ه. ق.
اکو دو پارس	۱۳۰۳ ه. ق.	روزانه	فارسی - فرانسه	۱۳۰۶ ه. ق.
خلاصه الحوادث	۱۳۱۶ ه. ق.	روزانه	فارسی - فرانسه	۱۳۲۱ ه. ق.
بیطرف	۱۳۲۲ ه. ق.	روزانه	فارسی - فرانسه	۱۳۲۸ ه. ق.
شرق	۱۳۲۷ ه. ق.	روزانه	فارسی - فرانسه	۱۳۲۸ ه. ق.
برق	۱۳۲۸ ه. ق.	روزانه	فارسی - فرانسه	۱۳۲۸ ه. ق.
استقلال ایران	۱۳۲۸ ه. ق.	نامرتب	فرانسوی	۱۳۲۸ ه. ق.
اطلاعات	۱۳۳۲ ه. ق.	هفتگی	فارسی - فرانسوی	۱۳۳۵ ه. ق.
پیام ایران	۱۳۳۳ ه. ق.	هفتگی	فرانسوی	۱۳۳۳ ه. ق.
ایران‌شهر	۱۳۳۳ ه. ق.	روزانه	فارسی - فرانسوی	؟
فلاحت و تجارت	۱۳۳۷ ه. ق.	دوماه یک بار	فارسی - فرانسوی	۱۳۴۰
الیانس فرانسز	۱۳۳۸ ه. ق.	هفتگی	فرانسوی	؟
پارس	۱۳۳۹ ه. ق.	دوماه یک بار	فارسی - فرانسوی	؟
حصار عدل	۱۳۴۱ ه. ق.	هفتگی - روزانه	فارسی - فرانسوی	پس از ۱۳۵۰
پیک تهران	۱۳۴۴ ه. ق.	روزانه	فرانسوی	۱۳۵۵ ه. ق.
علم و هنر	۱۳۴۶ ه. ق.	ماهانه	چهارزبان	۱۳۵۵ ه. ق.
ستاره جهان	۱۳۴۷ ه. ق.	روزانه	فارسی - فرانسوی	۱۳۵۷ ه. ق.
انوشیروان	۱۳۰۹ ه. ش.	ماهانه	فارسی - فرانسوی	۱۳۰۹ ه. ش.
پست و تلگراف و تلفن	۱۳۱۱ ه. ش.	ماهانه	فارسی - فرانسوی	پس از ۱۳۱۲
بانک ملی	۱۳۱۲ ه. ق.	فصلنامه - ماهانه	فارسی - فرانسوی	۱۳۱۶ ه. ش.
ژورنال دو تهران	۱۳۱۳ ه. ش.	روزانه	فرانسوی	۱۳۵۷ ه. ق.
دامپزشکی	۱۳۱۶ ه. ش.	ماهانه	فارسی - فرانسوی	۱۳۲۲ ه. ش.
کیهان فرانسه	۱۳۳۸ ه. ش.	روزانه	فرانسوی	۱۳۳۸ ه. ش.
نمای شرق	۱۳۴۰ ه. ش.	هفتگی	فرانسوی	۱۳۴۱ ه. ش.
پیام اسلام	۱۳۶۰ ه. ش.	ماهانه	فرانسوی	۱۳۶۶ ه. ش.
سروش	۱۳۶۱ ه. ش.	ماهانه	فرانسوی	۱۳۶۶ ه. ش.
لقمان	۱۳۶۳ ه. ش.	فصلنامه	فرانسوی	۱۳۶۶ ه. ش.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رتال جامع علوم انسانی

سه صفحه از مجموع صفحه‌های هر یک از این دو روزنامه به زبان فرانسوی بود (صدر هاشمی، ۱۳۱۱/۲ تا ۱۴ تا ۱۶/۲ تا ۶۶)

۱۷- استقلال ایران فقط به زبان فرانسوی انتشار می‌یافت و مدیر آن میرزا حسین خان کمال بود که شاید همان میرزا حسین خان مدیر بیطرف بوده است.

۱۸- این روزنامه دارای ۶ صفحه به زبان فرانسوی و ۶ صفحه به زبان فارسی بود. بخش فرانسوی روزنامه را میشل حاجیان ارمنی اداره می‌کرد. او در سیزده سال آخر عمر خود، با ژورنال دو تهران همکاری می‌کرد (صدر هاشمی، ۱۹۸۱ تا ۲۰۲)

۱۹- یک نشریه هم با عنوان ایران‌شهر توسط حسین کاظمزاده به زبان فارسی در برلن منتشر می‌شد.

۲۰- کریستوف بالایی و میشل کویی پارس، همان کتاب، ص ۱۹، یادداشت ۲۴

۲۱- این نشریه هر دو ماه یک بار، در چهار صفحه به مدیریت علی لاهوتی در استانبول منتشر می‌شد. اداره بخش فرانسوی آن را علی نوروز (نام مستعار حسن مقدم) برعهده داشت.

۲۲- ماهنامه چهار زبان (فارسی، فرانسوی، آلمانی، انگلیسی) که در برلن به مدیریت ابوالقاسم ونوق به مدت یک سال انتشار یافت.

۲۳- ماهنامه دوزبانه در زمینه علوم قضایی به مدیریت دکتر ماشوریان

۲۴- ماهنامه دوزبانه در زمینه علوم قضایی به مدیریت دکتر ماشوریان

۲۵- ماهنامه دوزبانه در زمینه علوم قضایی به مدیریت دکتر ماشوریان

۲۶- فریدون آدمیت، امیر کبیر و ایران، تهران، امیر کبیر، ۱۳۴۸، ۵۶۶ تا

کردا قرارداد دیگری در تلبسته با روسها به امضا رساند که در اثر آن همه تعهدات خود نسبت به ایران را از یاد برد. او بعدها در تمجد گاه سنت هلن به اشتباه خود اعتراف کرد. (نگاه کنید به کریستوف بالایی و میشل کویی پارس، سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی پاریس / تهران، انجمن فرانسوی پژوهشهای ایران، ۱۹۸۷، ص ۱۵ و ۱۶).

۷- در برخی از منابع، نام دوو، کورو، سمینو، دروویل، روسو و خانام ماری نی ری (که شوهرش در ایران مرد) ذکر شده است:

Deveaux' Court' Semino' Drouville' Rousseau' Mme Marrieno

۸- برای اطلاع بیشتر در باره آوزن بوره نگاه کنید به: 'L'enseignement du Français en Iran' in Luqman' 11/2 PP. 26-29

۹- بچی آریان بور، همان کتاب، ۲۳/۱

۱۰- همانجا، ۳۱/۱

11- Carla SERENA. Hommes et Choses en Perse, Paris, G. Charpentier edite, 1883, PP. 163- 170

(این کتاب در سالهای اخیر سه بار و به دست سه مترجم به زبان فارسی برگردانده شده است.

۱۲- محمد صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، اسفهان، کمال، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۲۳/۱

۱۳- همان، ۲۴۵/۲

۱۴- همان، ۶۷/۲. مدیر این روزنامه میرزا حسین خان نام داشته است.

۱۵- مدیریت شرق و برق را سیدضیاءالدین طباطبایی برعهده داشت.

نوشته‌ها

مشخصات کتابشناختی اصل مقاله چنین است:

D-Javad HADIDI «La presse de langue française en Iran» / Luqman' 11/2/ Printemps- Gtee 1989/ PP. 9, 20.

این مقاله که در لقمان، نشریه مرکز نشر دانشگاهی به زبان فرانسه منتشر شده، متن سخنرانی نویسنده است که در بیست و دومین کنفرانس بین‌المللی طبوعات فرانسوی زبان (کویان، ۱۲ تا ۲۰ آبان) ایراد شده است.

۱- رضا قلی خان هدایت در این مورد نوشته است: «چون خط فرانسه نواندن در ایران متداول نشده بود، از نوشته‌وی عقده حل نکشت و در دعوی او بجهه داشتند، همچنان جوابی سراسری نگاشتند...» (روزنه الصفا نامری، تهران، خيام، ۱۳۳۹، ۴۱/۹ تا ۴۲۰).

۲- در مورد دارالفنون به زبان فارسی مقاله و کتاب بسیار نوشته شده است. در زبان فرانسوی، آخرین نوشته مقاله‌ای است از ع. روح بخشان با عنوان نقش دارالفنون در توسعه زبان فرانسوی در ایران، همان، ۲۰۲، ۲۲ تا ۲۳۳ تا ۲۳۴.

۳- بچی آریان بور، از صبا تا نیما، تهران، کتابهای جیبی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۲۳۹

۴- دایره المعارف بزرگ لاروس، ذیل نام 'Jaubert'

۵- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ و وابسته سیاسی ایران، تهران، نشر کبیر، ۱۳۴۶، ص ۲۰۹. در همان زمان در تهران شایع شد که انگلیسها به رومیو زهر خوراندند بودند.

۶- دو ماه پس از آنکه ناپلئون در «فین کشتابن» قرار داد با ایران را امضا